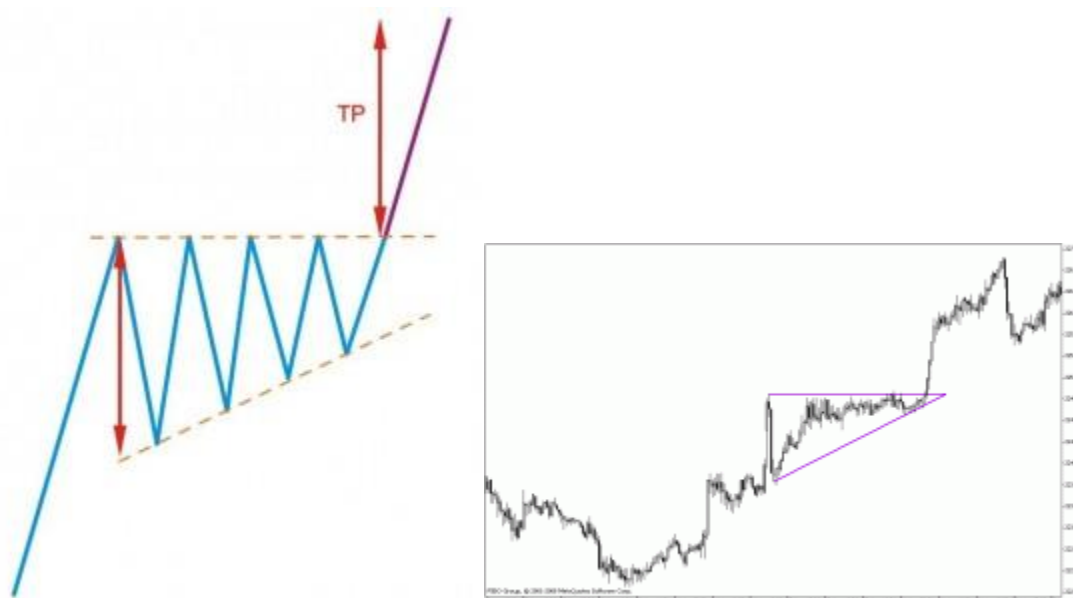


## الگوهای قیمتی ادامه دهنده؛ پترن های کلاسیک

### اصول استفاده از الگوهای مثلث (Triangles)

الگوی مثلث افزایشی حالتی از تغییرات قیمت است که قیمت هر بار در صعودهایش در محدوده ای از مقاومت متوقف می شود در حالی که پس از بازگشت از این محدوده مقاومت هر بار به دره یا کمینه قبل از خود نمی رسد. امتداد خطوط پایینی در اتصال به مقاومت بالایی، الگویی می سازد که نشان دهنده آغاز یک حرکت قوی بازار می باشد. تغییرات قیمت معمولاً در این الگو را می شکند و می توان انتظار داشت که به اندازه قاعده اولین حرکت داخل مثلث افزایشی بازار در جهت بالایی افزایش داشته باشد. این الگو معمولاً بعد از یک روند افزایشی به وجود می آید با اینکه هیچ الزامی به این روند افزایشی نمی باشد.



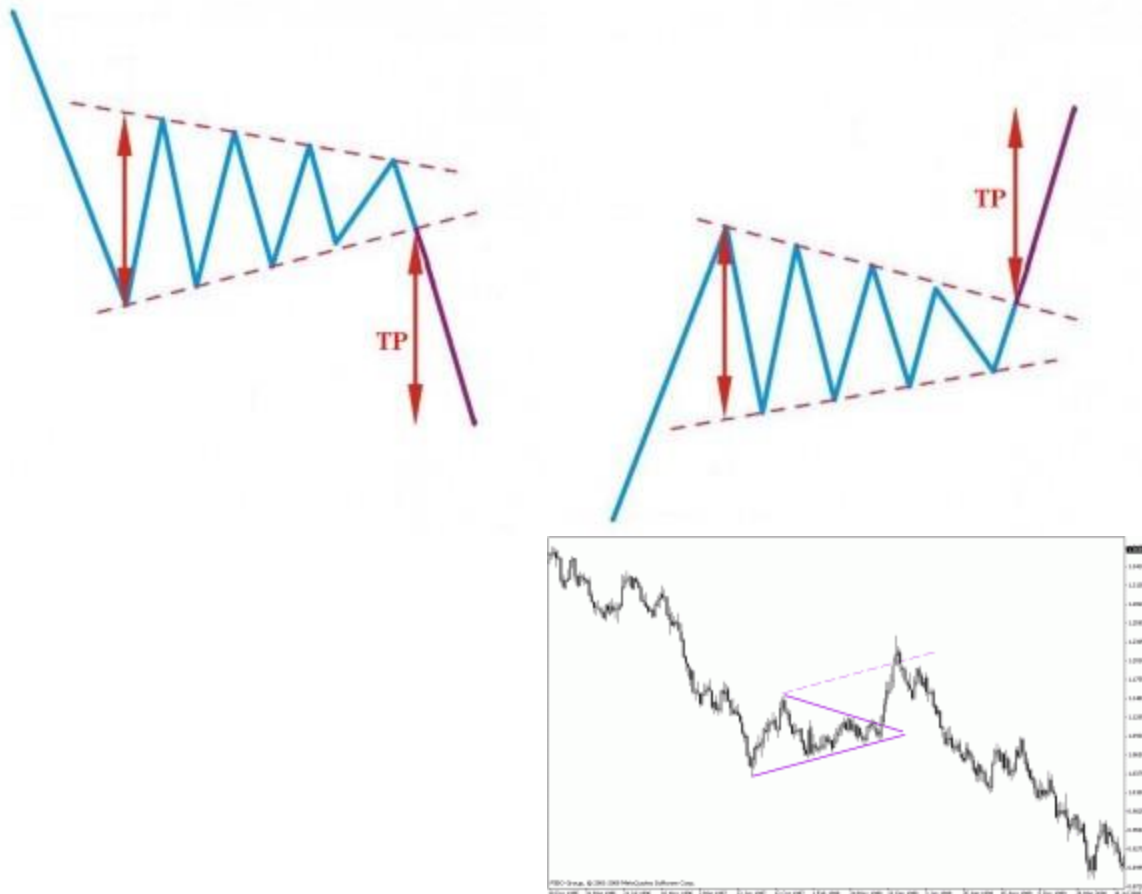
الگوی مثلث کاهشی حالتی از تغییرات قیمت است که قیمت هر بار در نزول هایش در محدوده ای از حمایت متوقف می شود در حالی که پس از بازگشت از این محدوده حمایت هر بار به قله یا بیشینه قبل از خود نمی رسد. امتداد خطوط بالایی در اتصال به مقاومت پایینی، الگویی می سازد که نشان دهنده آغاز یک حرکت قوی بازار می باشد. تغییرات قیمت معمولاً در این الگو را می شکند و می توان انتظار داشت که به اندازه قاعده اولین حرکت داخل مثلث کاهشی بازار در جهت پایینی کاهش داشته باشد. این الگو معمولاً بعد از یک روند کاهشی به وجود می آید با اینکه هیچ الزامی به این روند کاهشی نمی باشد.





### اصول استفاده از الگوی مثلث متقارن Symmetrical Triangles

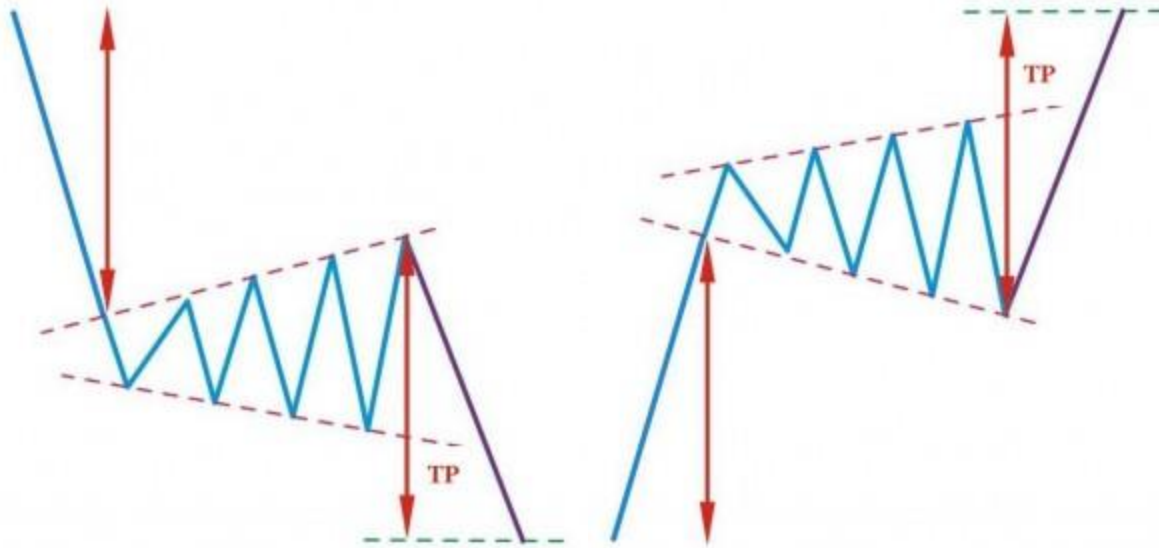
مثلث متقارن یا همسان‌الگویی دیگر از خانواده مثلث‌ها می‌باشد که معمولاً بعد از یک روند کاهشی یا افزایشی به وجود می‌آید گرچه هیچ الزامی برای این مورد وجود ندارد. در این الگو حرکات صعودی و نزولی داخل الگو به حمایت‌ها یا مقاومت‌های قبلی خود نمی‌رسند به همین جهت امتداد این خطوط مثلثی متقارن را ایجاد می‌کند. با شکسته شدن امتداد نقاط به هم متصل شده بالایی و پایینی در الگو می‌توان انتظار داشت موج جدید به اندازه فاصله اولین قاعده درونی مثلث پیش روی داشته باشد.



## اصول استفاده از الگوی مثلث افزایشی و کاهشی غیر متقارن Reverse Symmetrical Triangles Pattern

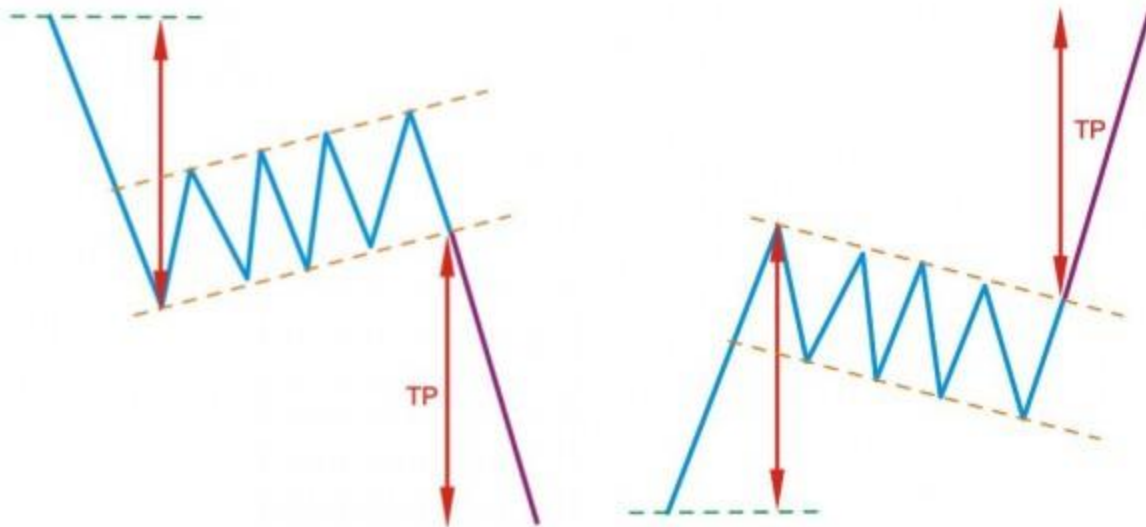
الگوی مثلث افزایشی و کاهشی غیر متقارن؛ الگویی می باشد که امتداد خطوط پیشینه و کمینه قیمت مثلثی و اگر را تشکیل می دهد و حداقل سه بار قیمت باید با هر کدام از خطوط بالایی و پایینی برخورد کرده باشد. این الگو معمولاً در بازار مبادلات ارز کمیاب می باشد. معمولاً این الگو بعد از یک روند تشکیل می شود با اینکه هیچ الزامی به این مورد نیست. حد سود این الگو همانگونه که در شکل دیده می شود به اندازه فاصله آغاز روند قبلی تا نقطه تشکیل الگو می باشد که انتظار داریم با شکسته شدن یکی از امتداد ها، بازار به همین فاصله حرکت کند.





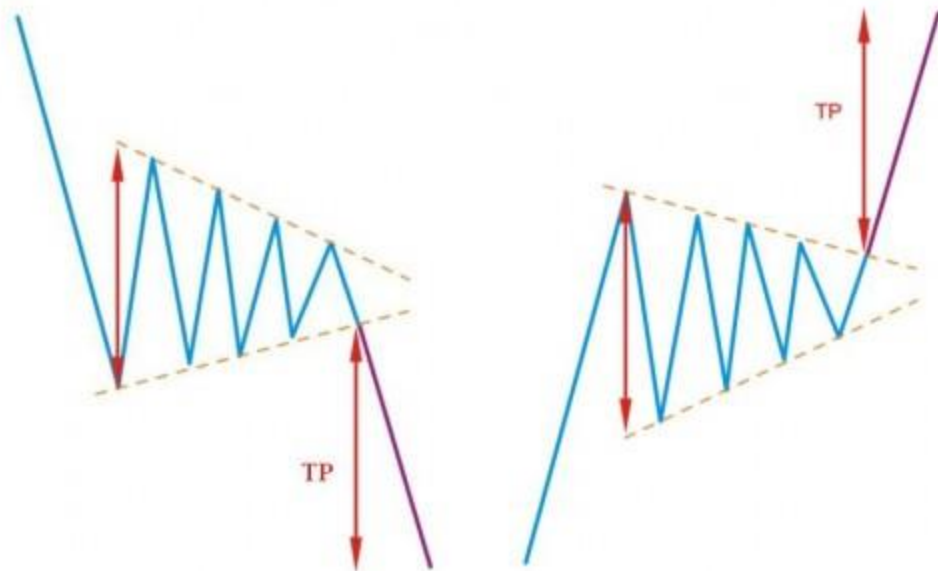
### اصول استفاده از الگوی پرچم Flag Pattern

الگوی پرچم از امتداد اتصال محدوده ای از تغییرات قیمت در میانه یک روند به وجود می آید که شیبی کم و خلاف جهت روند قبل از خود دارد. این الگو معمولاً مدت زمان زیادی پایدار نمی ماند و خیلی زود شکسته می شود. با شکسته شدن امتداد خطوط الگو بازار به اندازه ابتدای روند قبلی تا نقطه آغاز اولین موج الگوی پرچم پیش روی دارد.



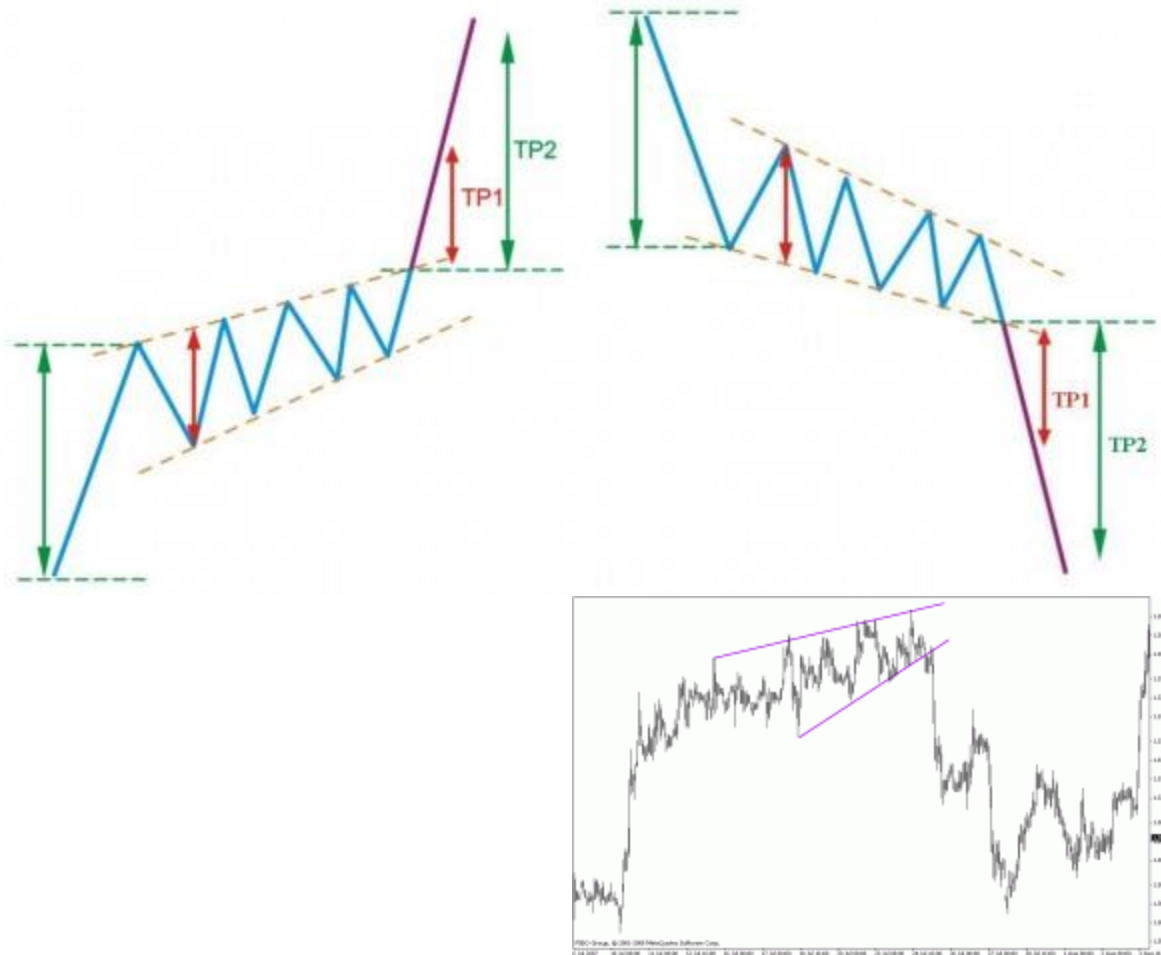
### اصول استفاده از الگوی پرچم سه گوش Pennant Patern

الگوی پرچم سه گوش مانند الگوی پرچم در میانه یک روند تشکیل می شود با این تفاوت که اتصال خطوط بیشینه و کمینه در داخل الگو موازی نبوده و متقارن می باشند. شیب اتصال خطوط بیشینه و کمینه در این الگو حتما باید زیاد باشد و قبل از آن حتما روند با شیب زیاد داشته باشیم در غیر این صورت یک الگوی مثلث افزایشی را تشخیص داده ایم. در این الگو دو هدف قیمتی داریم، هدف اول مانند شکل اندازه قاعده اولین حرکت تصحیحی داخل الگو می باشد و حد سود دوم به اندازه فاصله آغاز روند صعودی قبلی تا نقطه تشکیل الگو می باشد که با شکسته شدن یکی از خطوط بالایی و پایینی الگو انتظار داریم قیمت پیش روی کند.



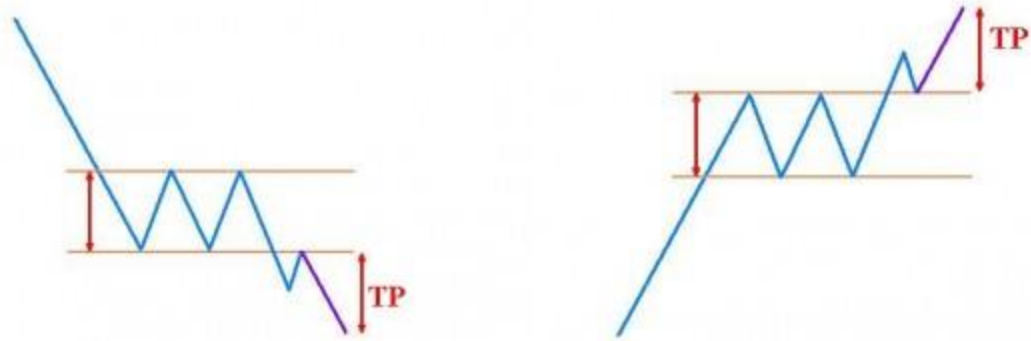
### اصول استفاده از الگوی گوه Wedge- Ascending & Descending Patern

الگوی گوه کاهشی یا افزایشی جزو الگوهایی می باشد که حتما باید در امتداد روند تشکیل شود. اگرچه جهت تشکیل گوه کاهشی یا افزایشی می تواند هم راستا با روند قبل از خود نباشد اما اگر هم راستا باشد درجه اطمینان و اهمیت بیشتری الگو پیدا می کند. در الگوی گوه افزایشی شیب خط امتداد بالایی نقاطی که به هم متصل می شوند باید حتما کمتر از شیب خط پایینی باشد و در گوه کاهشی، شیب خط امتداد پایینی نقاطی که به هم متصل می شوند باید حتما کمتر از شیب خط بالایی باشد. در دو حالت گوه کاهشی و افزایشی باید امتداد دو خط بالایی و پایینی در نهایت به یکدیگر برسند و حالت واگرایی نداشته باشند. در این الگو دو حد سود تعریف می شود. هدف قیمتی حد سود اول به اندازه برابر با اولین حرکت تصحیح قیمت در داخل الگو می باشد که با شکسته شدن یک امتداد انتظار داریم. هدف قیمتی حد سود دوم نیز به اندازه برابر فاصله آغاز روند قبلی تا نقطه تشکیل الگو با شکسته شدن یکی از امتدادها را می توان انتظار داشت.



### اصول استفاده از الگوی مستطیل Rectangle Pattern

الگوی مستطیل بعد از یک روند کاهشی یا افزایشی تشکیل می شود که امتداد خطوط بیشینه و کمینه درون آن موازی- افقی بوده و تشکیل یک مستطیل فرضی را می دهد. حداقل دو بار قیمت ها باید به امتداد خطوط بالایی و پایینی در این الگو برخورد کرده باشد. برای حد سود انتظار داریم بعد از شکسته شدن خط بالایی در روند افزایشی و خط پایینی در روند کاهشی هدف قیمتی جدید به اندازه فاصله درونی دو خط موازی درون الگو پیش روی نماید.



## الگوهای قیمتی بازگشتی؛ پترنهای کلاسیک

- [اصول استفاده از الگوهای برگشتی و نحوه کاربرد](#)
- [اصول استفاده از الگوی Head and shoulders](#)
- [اصول استفاده از الگوی Double Top and Bottom](#)
- [اصول استفاده از الگوی Triple Top and Bottom](#)
- [اصول استفاده از الگوی 1,2,3](#)
- [اصول استفاده از الگوی Diamond](#)
- [اصول استفاده از الگوی V](#)

### اصول استفاده از الگوهای برگشتی و نحوه کاربرد

الگوهای کلاسیک اشکالی معنی دار تشکیل شده از امواج تغییرات قیمتی در بازار می باشند که از روی تشکیل آنها میتوان موجها یا هدف های قیمتی جدیدی را پیش بینی کرد. در استفاده از الگوها حتما باید تا تشکیل کامل الگو صبر کرد و در نقطه صحیح و پیش بینی شده وارد شد. حتی برای کم کردن احتمال زیان و بالا بردن سود روش هایی وجود دارد که با مدیریت سرمایه بتوان از الگوها بیشترین استفاده و کمترین خطرات را متوجه شد. قبل از تشکیل هیچ الگویی آنرا تکمیل شده فرض نکنید و پس از تکمیل نیز در صورتی که قصد معامله بر اساس الگو را دارید زمان و قیمت مناسب را با شک و تردید از دست ندهید. از ایرادات دیگری که عموماً معامله گران مبتدی مرتکب می شوند این است که پس از تشکیل الگو و از دست رفتن قیمت ورود مناسب، وارد بازار می شوند. این مساله خطر بسیاری را برای معاملات و سرمایه ایشان در بر دارد

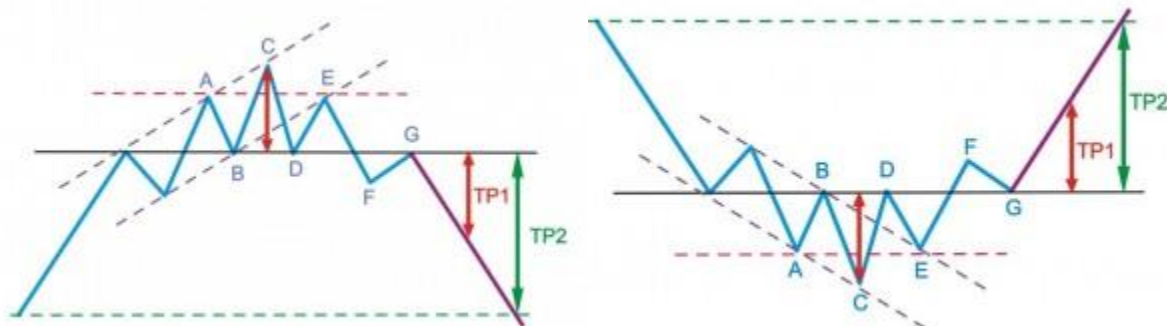


بنابراین اگر با تاخیر به نمودار نگاه می کردید یا الگویی را تشخیص دادید که زمان ورودش از دست رفته بود به هیچ عنوان وارد بازار نشوید.

## اصول استفاده از الگوی سر و شانه Head and Shoulders Pattern

الگوی سر و شانه یا همان Head and Shoulder یکی از معروف ترین الگوهای کلاسیک در بازارهای سرمایه می باشد. این الگو در انتهای یک روند رخ می دهد و روند صعودی را به نزولی و روند نزولی را به صعودی تبدیل می کند. همانطور که در شکل مشاهده می شود اولین نشانه ایجاد این الگو با شکسته شدن خط روند صعودی به وجود می آید. پس از شکسته شدن خط روند نزولی (موج CD) تا حدود قیمت کف یا سقف قبلی که قیمت در محدوده نقطه B بازگشته بوده می رود و از آنجا روند صعودی جدید کوتاه مدتی آغاز می شود. غالباً این روند جدید در نقطه E به محدوده خط روند قبلی که مترادف با نقطه A باشد می رسد و روند جدیدی را آغاز می کند. رد شدن قیمت از خط گردن که امتداد نقاط B و D می باشد نشانگر تغییر جهت روند از حالت صعودی به نزولی یا بالعکس است. نقطه ورود به معامله مناسب بازگشت قیمت برای لمس خط گردن در نقطه G می باشد. در عین حال در بازارهایی مثل مبادلات ارز که فراریت بالا است بسته شدن شمع پشت خط گردن (امتداد B و D) گواهی بر ورود به معامله است.

در صورت آغاز معامله در نقطه G حد ضرر این معامله کمی بیشتر از نقطه C می باشد. حد سود اولیه در این معامله فاصله بزرگترین قله یا دره که سر الگو باشد را تا خط گردن اندازه گرفته و به همین میزان انتظار داریم بازار با شکست خط روند در خلاف روند قبلی پیش روی نماید. حد سود دوم این معامله نیز نقطه آغاز روند قبلی می باشد که می توانیم انتظار داشته باشیم بازار تا نقطه آغاز روند قبلی پیش روی نماید.

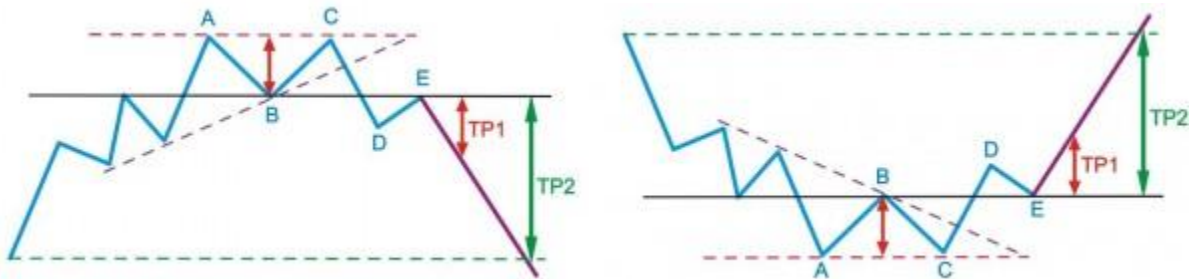


در زیر نمونه ای از الگوی سر و شانه را می بینید که با شکسته شدن خط گردن در امتداد خطوط B و D بازار یکبار دیگر در نقطه G خط گردن را لمس کرده و سپس به سمت هدف های قیمتی حد سود اول و دوم پیش روی کرده که هر دو این هدف های قیمتی لمس شده است.



## اصول استفاده از الگوی Double Top and Bottom

الگوی سقف دوقلو یا الگوی کف دوقلو نیز در انتهای روند صعودی یا روند نزولی تشکیل می شود. در این الگو دو قله داریم که دره ای بین این دو قله ایجاد شده است. تفاوت این الگو با الگوی سر شانه بدین صورت می باشد که سر (قله میانه) را نداریم. با شکسته شدن دره بین دو قله میتوان انتظار داشت که روند تغییر پیدا کند. اغلب موارد با شکسته شدن دره بین دو قله قیمت دوباره به خط دره (نقطه E) باز می گردد اگر چه در بازارهای با فراریت بالا مانند مبادلات ارز امکان برنگشتن قیمت به امتداد دره بین دو قله نیز وجود دارد. حد ضرر این معامله کمی بیشتر از نقاط A و C می باشد. حد سود اولیه به اندازه فاصله نقاط A یا C تا B می باشد و حد سود دوم از تا نقطه آغاز روند می باشد.

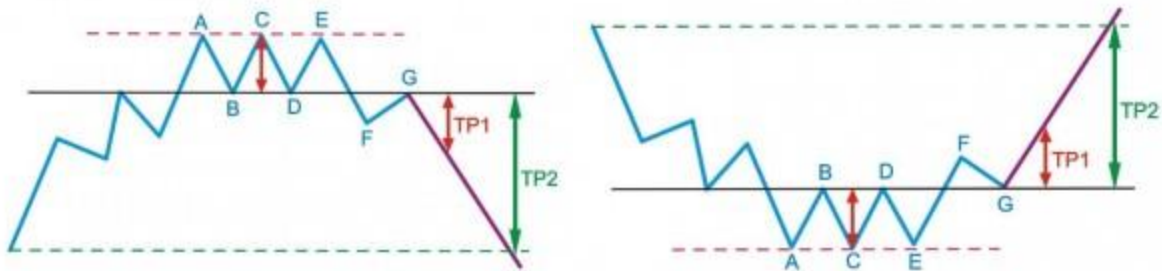


در شکل زیر نمونه ای از الگوی سقف دوقلو را می بینید که با شکسته شدن امتداد خط B بازار یکبار دیگر در نقطه E به این محدوده قیمت رسیده و سپس به روند نزولی خود ادامه داده است. شایان ذکر است دسترسی به هدف قیمتی حد سود اول در شکل زیر نمایان است.



## اصول استفاده از الگوی Triple Top and Bottom

الگوی سه سقف و الگوی سه کف تشابه بسیاری با الگوی سقف های دوقلو و کف های دوقلو دارد با این تفاوت که به جای دو قله یا دو دره سه قله و سه دره ایجاد شده است. این الگو نیز در انتهای روند ایجاد می شود و شاهد سه سقف یا سه کف در نقاط A، C و E هستیم. دو دره در بین این سقف ها وجود دارد و با شکسته شدن دره (نقاط B و D) می توان انتظار داشت بازار از حالت صعودی به نزولی تبدیل شود.



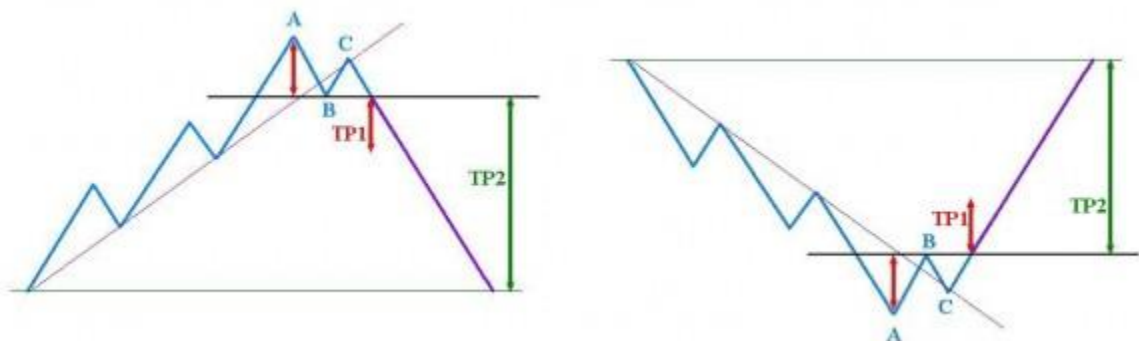
در

شکل زیر نمونه ای از الگوی سقف سه قلو را مشاهده می کنید که با شکسته شدن امتداد خطوط B و D بازار یکبار دیگر در نقطه G این خط را لمس کرده و سپس به روند نزولی جدیدی را در پیش گرفته است.



### اصول استفاده از الگوی 1,2,3

الگوی 123 (یا ABC) بسیار شبیه به الگوی سقف و کف دوقلو می باشد. با این تفاوت که سقف یا کف دوم به سقف یا کف پیش از خود نمی رسد. با رد شدن قیمت از محدوده بین دو سقف یا دو کف (خط شانه) که در امتداد نقطه B می باشد میتوان انتظار داشت که جهت روند تغییر یابد. حد ضرر معامله ورودی به این الگو با لحاظ مقداری فاصله از نقطه A می باشد. حد سود اول این معامله به اندازه فاصله نقطه A تا B از نقطه شکسته شدن نقطه B می باشد حد سود دوم این معامله نیز نقطه آغاز روند اصلی قبلی است.

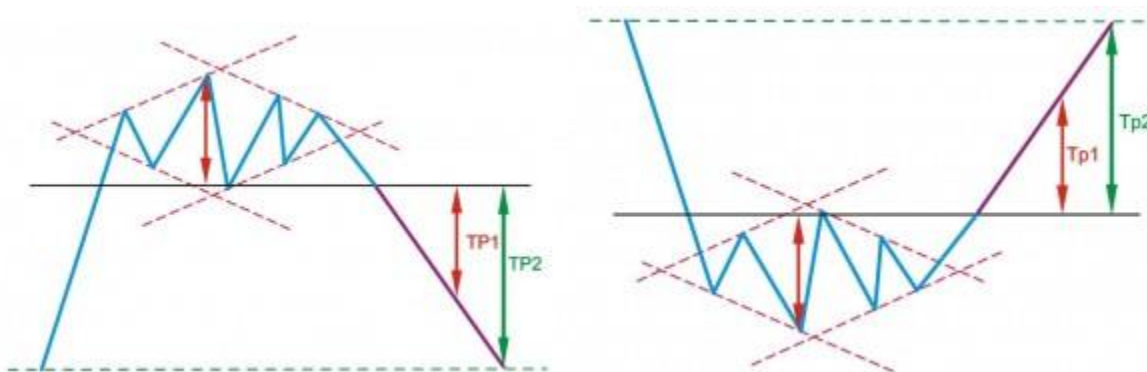


در زیر نمونه ای از الگوی ABC را می بینید که با شکسته شدن نقطه B روند نزولی بازار تبدیل به روند صعودی می شود. هر دو هدف قیمتی حد سود اول و دوم در این شکل این مثال دیده می شود.

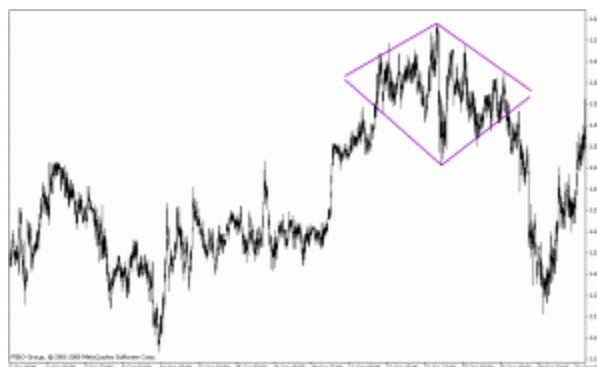


### اصول استفاده از الگوی لوزی Diamond Patern

الگو لوزی نیز در انتهای روند به وجود می آید. بعد از یک روند صعودی یا نزولی در ابتدا شاهد سقف و کف های کوچک هستیم. به مرور دامنه حرکت سقف و کف ها بزرگتر می شود دوباره در اواخر الگوی اندازه سقف و کف ها بزرگتر می شود. با شکسته شدن سقف یا کف الگو وارد معامله می شویم. حد ضرر معامله ورودی از طریق این الگو با لحاظ مقداری فاصله از بالاترین سقف در حالت صعودی و با لحاظ مقداری از پایین ترین کف در حالت نزولی قرار می گیرد. حد سود اول به اندازه فاصله بزرگترین سقف و کف داخل الگو می باشد و حد سود دوم محدوده آغاز روند است.



نمونه الگوی الماس در بازار مبادلات ارز غالباً کم پیدا می شود با این حال می توانید نمونه ای را در نمودار زیر ببینید که با شکسته شدن امتداد خط گردن عمیقترین دره بازار به هدف قیمتی حد سود اول رسیده است.



### اصول استفاده از الگوی وی V

الگوی "وی V" با شکسته شدن خط روند تکمیل می شود و میتوان وارد معامله شد. شاخصه اصلی این الگو بازگشت ناگهانی قیمت می باشد و بازگشت های داخل الگو بسیار کوتاه و موقت است. مشخصه دیگر الگوی V شیب زیاد موج آخر حرکت روند قبلی می باشد و بازگشت ها معمولا با همان زاویه ای بر می گردد که بازار با آن شیب حرکت اصلی را آغاز کرده است. حد ضرر در این الگو زیر نقطه زیرین یا روبین V می باشد و حد سود اضافه شده اندازه فاصله نقطه ورود تا نقطه آغاز الگوی V می باشد. در شکل خطوط قرمز رنگ اندازه و هدف قیمتی گرفتن حد سود را به ما نشان می دهند.



الگوهای برگشتی کلاسیک دیگری نیز در بازار وجود دارد که فعلا در بحث ما نمی گنجد و عمومیت و استفاده زیادی ندارد.

در زیر آخرین مثال که الگوی V باشد را می بینید. با شکسته شدن خط روند قبلی بازار از حالت نزولی تبدیل به صعودی شده و هدف قیمتی حد سود نیز تحقق پیدا کرده است.



## استفاده از میانگین متحرک (مووینگ اوریج)

- [آشنایی با انواع میانگین های متحرک](#)
- [انجام محاسبه میانگین های متحرک](#)
- [اصول کار با میانگین های متحرک](#)

### آشنایی با انواع میانگین های متحرک

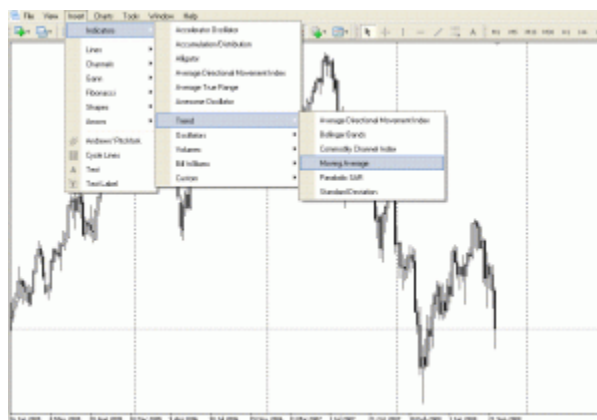
میانگین متحرک (مووینگ اوریج) ، میانگینی از داده های بازار در بازه زمانی خاص می باشد. میانگین متحرک (مووینگ اوریج) عموما به عنوان یک اندیکاتور (Indicator شاخص نمای تکنیکی) شناخته می شود اما از آنجا که امروزه در بین معامله گران (به خصوص معامله گران ارز) بیشتر بر روی خاصیت ساپورت و رزیستنس آن حساب باز می شود کاربردی دوگانه یافته است.

### انجام محاسبه میانگین های متحرک (محاسبه مووینگ اوریج)

از آنجا که محاسبه میانگین متحرک از تغییرات قیمت به دست می آید، تابعی از قیمت و روند بازار می باشد و به لحاظ ساختاری برای پیش بینی آینده قیمت همیشه مقداری از روند عقب تر می باشد. نحوه محاسبه میانگین متحرک بسته به فرمول آن متفاوت است. ساده ترین شیوه محاسبه، میانگین متحرک ساده (Simple Moving Average) می باشد. این میانگین متحرک از آخرین تغییرات قیمت داده می پذیرد. به علت اینکه در بازار مبادلات ارز یا بازارهای دیگر تمامی تغییرات قیمتی (تیک چارت) را نداریم برای سهولت محاسبه از قیمت بسته شدن کندل استیک یا بار چارت برای بدست آوردن میانگین متحرک استفاده می شود. برای محاسبه میانگین متحرک غیر از قیمت انتهایی کندل استیک، میتوان از قیمت آغازین کندل استیک یا بالاترین و پایین ترین قیمت کندل استیک نیز استفاده کرد. در محاسبه میانگین متحرک روش های گوناگونی وجود دارد. ساده ترین و کاربردی ترین آن را در بالا توضیح دادیم اما میانگین های متحرک دیگری نیز وجود دارد که ارزش متفاوتی به داده های قیمت می دهند مانند میانگین های متحرک نمایی - اکسپوننشیل (Exponential) کاربر ارزش هر داده قیمت را در این میانگین تاییین می کند) میانگین متحرک سطحی Smoothed و میانگین متحرک خطی وزنی Linear Weighted از انواع دیگر هستند که عموماً به داده های جدید ارزش و وزن بیشتری برای محاسبه می دهند. به هر حال آنچه مهم است تحقیق و بررسی شما روی میانگین های متحرک گوناگون در بازارهای مختلف (در اینجا ارزهای گوناگون) می باشد.

### اصول کار با میانگین های متحرک (مووینگ اوریج)

در فصل سوم در مورد مکان اندیکاتورها در نرم افزار متا تریدر صحبت کردیم. برای یادآوری، تصویر زیر نشان می دهد که اندیکاتور مووینگ اوریج Moving Average در منوی Insert و زیر منوی Trend در چه مکانی قرار دارد.



پس از باز کردن این اندیکاتور پنجره تنظیمات مشاهده می شود.

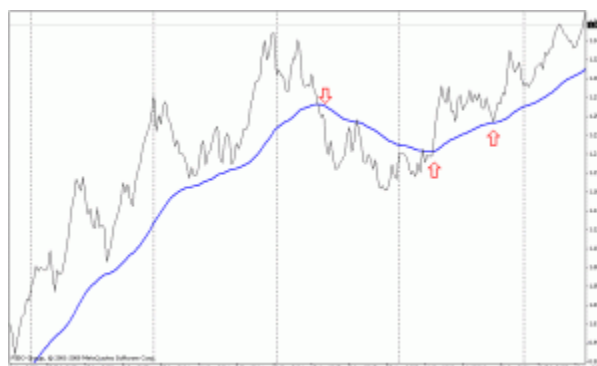


زبانه اول این پنجره Parameters تنظیمات اولیه میانگین متحرک را نشان می دهد. کادر Period مربوط به تعداد کندل استیک ها یا دوره های محاسبه میانگین متحرک است. در قسمت بعد توضیحات برای

بهترین بازده این پارامتر داده خواهد شد. در کادر MA method نمونه محاسباتی میانگین متحرک تعریف می شود. این قسمت به صورت پیش فرض Simple می باشد اما توصیه می شود برای دادن وزن بیشتر به تغییرات قیمتی جدیدتر، از اکسپوننشیال یا Exponential یا Linear Weighted استفاده شود. کادر Apply to قیمت مورد نظر هر کندل استیک یا داده قیمتی را مشخص می کند. بهترین گزینه در این قسمت Weighted Close می باشد. در این گزینه در عین حال که قیمت های بالا و پایین هر کندل استیک مورد محاسبه قرار گرفته وزن حرکتی بیشتر به قیمت پایانی به خاطر اهمیت آن داده شده است. در قسمت Style نیز نحوه نمایش خط میانگین متحرک تنظیم می گردد در این قسمت رنگ دلخواه، پیوسته یا نقطه چین بودن این خط و قطر خط تنظیم می گردد.

در بین معامله گران اندیکاتور میانگین متحرک از پر طرفدارترین اندیکاتورها می باشد. اندیکاتور مووینگ اوریج از یکسو به عنوان ساپورت و رزیستنس عمل کرده و از سوی دیگر جهت قیمت و سیگنال های معاملاتی را به معامله گر نشان می دهد. قبل از آشنایی بیشتر با این ابزار لازم به ذکر است که همیشه این سوال وجود دارد که چه دوره زمانی برای این اندیکاتور بهترین می باشد؟ این سوال بیشتر از آنکه بین معامله گران دارای اجماع باشد امری سلیقه ای است و بسته به هر بازاری متغیر است. در بازارهای با نوسان شدید عموماً از دوره های زمانی کوتاه مدت تر و در بازارهای با نوسانات کندتر از دوره های زمانی طولانی تر استفاده می گردد.

ساده ترین روش استفاده از میانگین متحرک قطع این شاخص از روی نمودار خطی قیمت می باشد. اگر نحوه نمایش نمودار به صورت خطی باشد و یک میانگین متحرک روی نمودار ترسیم کنیم، ساده ترین سیگنال قطع قیمت از روی میانگین متحرک است. همانطور که در شکل زیر دیده می شود خط سبز تغییرات قیمت و خط آبی میانگین متحرک 55 روزه بر روی نمودار یورو به دلار می باشد. فلش رو به پایین نقطه ورود به سیگنال فروش را نشان می دهد و دو فلش رو به بالای بعدی نقطه خرید را برای افزایش قیمت نشان می دهد. عموماً از این روش برای بازارها یا بازه های زمانی استفاده می شود که نمودار آنها عموماً دارای روند های پایدار باشند و در بازارهایی مانند مبادلات ارز که فراریت در آنها زیاد و زمانهای بسیاری بدون روند هستیم این روش کاربرد چندانی ندارد. نقطه ضعف دیگر این روش باز بودن معاملات در هر زمانی می باشد. به این معنی که همیشه سیگنال فروش قبلی به ما سیگنال خرید می دهد و سیگنال خرید با سیگنال فروش بسته می شود. نمونه دیگری که از میانگین های متحرک برای معاملات استفاده می کنند قطع دو میانگین متحرک توسط یکدیگر است. روش دو میانگین متحرک شباهت بسیاری به روش قطع قیمت با یک میانگین دارد. تنها تفاوت در این است که به جای قطع یک میانگین متحرک از روی قیمت، این بار قطع یک میانگین توسط میانگین دیگر برای معامله گر سیگنال صادر می کند. در این روش حتماً باید از دو میانگین متحرک با دوره های زمانی متفاوت استفاده کرد و هر زمان که میانگین با دوره کمتر زیر میانگین با دوره بلندتر قرار گرفت سیگنال فروش داریم و هر زمان که میانگین با دوره کمتر بالای میانگین بلند مدت تر آمد سیگنال خرید داریم. در این روش نیز حد سود و ضرر با قطع دوباره میانگین ها معلوم می گردد. ایراد عمومی میانگین های متحرک دیرکرد آنها نسبت به قیمت می باشد و همیشه زمانی سیگنال می دهند که تغییرات قیمتی زیادی بوجود آمده است.



روش دیگری که برای استفاده از میانگین های متحرک کاربرد بسیاری برای معامله گران حرفه ای دارد استفاده از آنها به عنوان ساپورت و رزیستنس می باشد. از آنجا که به تجربه ثابت شده میانگین های متحرک قابلیت تغییر قیمت و عکس العمل روی بازارها را دارند، با رسیدن قیمت به یک میانگین متحرک معامله گران در برخورد میانگین متحرک و قیمت، میانگین متحرک را در نقش یک حمایت یا مقاومت در نظر می گیرند و در جهت معکوس وارد بازار می شوند. در شکل بالا فلش

سوم دقیقاً بیان کننده همین موضوع است. قیمت با برخورد به میانگین متحرک 55 روزه ناگهان شتاب گرفته و در جهت رو به بالا حرکت کرده است.

امروزه استفاده از اعداد 5،8،13،21،34،55،89 و 144 که اعداد فیبوناچی (در فصل آینده در مورد این اعداد به تفصیل صحبت خواهیم کرد) می باشند در میانگین های متحرک کاربرد بسیاری یافته است و بسته به شرایط و عکس العمل آنها، بسیار از آنها استفاده می شود.